

بررسی تطبیقی موجودات تلفیقی در هنر ایران و میان‌رودان

الهه خسروی*

چکیده: موجودات تلفیقی که بر مهرها، نقش برجسته‌ها و به شکل پیکره و اشکال گوناگون تجسم یافته‌اند، ترکیبی از جانوران گوناگون اند که در دنیای واقعی نظیری ندارند. به وجود آمدن این موجودات در هنر تمدن‌های کهن، ریشه در اسطوره‌ها دارد. در تحقیق پیش رو، موجودات تلفیقی در هنر دو تمدن ایران و میان‌رودان از نظر شکل ظاهری و خاستگاه به وجود آمدنشان بررسی می‌گردند. تا به دلایل وجودی آنها پی ببریم و تخیل هنرمندان دو سرزمین همجوار را در خلق کردن آثاری بدیع، شاهد باشیم. موجودات تلفیقی در این تمدن‌ها، برخی منحصر به همان هنر و تمدن هستند مانند سیمرغ در هنر ایران و شیر دیو در هنر میان‌رودان، و برخی با یکدیگر مشترک اند. که این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند. یکسری موجودات تلفیقی که در عنوان یکی هستند ولی از نظر ظاهری متفاوت اند. مانند کژدم انسان که در هر تمدن به شکل‌های گوناگون تصویر شده است. و دیگری هم در عنوان و هم از نظر کاربرد و ظاهر به هم شبیه اند. مانند پیکره‌های گاو بالدار با سر انسان (لاماسو) که هم در ایران (دوران هخامنشی) و هم در میان‌رودان (آشور جدید) به عنوان نگهبان و دافع شر در دروازه‌کاخ‌ها قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: گریفون، سیمرغ، گاو مرد، موش هوشو، شیر دیو.

مقدمه

گروهی نیز صرفاً موجودی نیک یا شر هستند و جایگاهی خداگونه ندارند. مانند شیر دیو در هنر آشور، که موجودی نیکوست ولی خدا محسوب نمی‌شود و صرفاً دافع شر است. همچون انسان شیر یا انسان ماهی. به عنوان نمونه پیکره انسان ماهی در پی بنا، به خاطر خاصیت دافع شر بودن‌اش دفن شده است. در اینجا با بررسی مواردی از این موجودات در آثار شاخص هنری این تمدن‌ها از هزاره چهارم ق. م به بعد می‌پردازیم. آثاری از دوره‌های عیلام، لرستان، جیرفت، مارلیک، زیویه، هخامنشی و ساسانی در ایران و سومر و اکد و بابل و آشور در میان‌رودان.

موجودات تلفیقی در هنر ایران و میان‌رودان

یکی از مضامین هنر آغازین عیلام تجسم بخشیدن به عفريت هاست، خصوصاً عفريت‌های طبیعی، نیمی انسان و نیمی حیوان یا دو نوع جانور به هم جوش خورده مثل شیر دال با پر و بال عقاب و بدن شیر (فریه، ۱۳۷۴: ۱۸).

انسان در روزگاران کهن، زمانی که دلایل علمی پدیده‌ها را نمی‌دانست، برای توجیه پدیده‌ها شروع به پیوند دادن مسائل و پدیده‌های پیرامون خود، به قدرت‌های ماوراءالطبیعه کرد و برای هر پدیده‌ای خدا یا ایزدی قائل شد و آنها را به صورتی که خود می‌خواست تصویر کرد و برای بهتر زیستن و بقاء خود، خود را به این قدرت‌های فرا زمینی پیوند داد و برای یاری جستن از آنها از مظاهر نقش شده آنان استمداد می‌طلبید. توجیه برتر بودن این خدایان، ظاهر غیر عادی آنها بود. اینجاست که تخیل و هنر هر قوم، برای تجسم بخشیدن به این نیروها قابل ارزیابی است. مانند تجسم خدای مار در عیلام که موجودی نیم انسان - نیم مار است. یا در هنر لرستان که موجودات فوق طبیعی به شکل‌های بسیار متنوع ظاهر می‌شوند و در مواردی خدایان بالدار هستند. گذشته از این که گروهی از موجودات تلفیقی شامل خدایان می‌شوند، (که البته این خدایان می‌توانند نیک یا شر باشند)

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

قدرت‌های مافوق طبیعی می باشد. هنگامی که انسان چنین مهر‌هایی را به همراه داشته است، احساس آرامش و امنیت بیشتری داشته است. بدین ترتیب با مهرها و طلسم‌هایی روبرو می شویم که تجسم خدایان و یا مظاهر آنها هستند و به صورت خدایان و یا موجودات تلفیقی انسان حیوان و یا حیوان حیوان نمایان می‌شوند. از اواسط هزاره سوم ق. م است که خدایان از تجسم حیوانی به صورت نیم انسان نیم حیوان در می‌آیند. مانند خدای مار با بالاتنه انسان و پایین تنه مار. این موجود در عیلام بسیار مورد توجه بوده است. در هنر لرستان نیز اغلب موجودات تلفیقی دارای بال هستند. مانند گاو مرد بالدار، انسان بز کوهی، میش کوهی بالدار، گوزن بالدار، که موارد اخیر فقط در لرستان دیده شده‌اند. شکل بال‌ها در هنر لرستان اغلب رو به بالاست و زیر بال به صورت نیم دایره طراحی شده است. در هنر جیرفت نیز موجودات تلفیقی بسیاری دیده شده‌اند و شاخص تر از همه کژدم انسان است که به شکل های گوناگون نمایش داده شده است. در هنر مارلیک دیو بالدار دوسری بر روی ظرفی نقش شده است که شباهت زیادی به نمونه آشوری دارد. بر سینه‌بند زبویه نیز موجودات تلفیقی را در انواع مختلف می بینیم. از قبیل گاو مرد، که گاو مرد آن قابل مقایسه با گاو مرد از هنر آشور جدید است. مضامین این سینه بند ریشه در هنر آشوری و اورارتویی دارند. علت وجودی این سینه بند ها با این نقوش در زبویه، دفع شر و چشم زخم بوده است. گاو بالدار با سر انسان نیز به عنوان پیکره محافظ در دروازه ملل تخت جمشید به کار رفته است که قابل مقایسه با نمونه های آشوری است که آنها هم در دروازه کاخ ها به کار رفته اند و خاصیت دفع شر داشته اند. شکل بالها در دوره هخامنشی نیز مانند هنر لرستان و هنر ماد، رو به بالا و با انحنايي در زیر آن است. در هنر ساسانی نیز گذشته از موجودات تلفیقی دیگر، سیمرغ موجودی شاخص و خاص این دوره است و یک نمونه تجسم آن به شکل نقش برجسته بر لباس خسرو پرویز در طاق بستان است. در هنر ایران می توان گفت که شیر دال و سیمرغ موجودات تلفیقی ایرانی بوده اند که در میان رودان مشاهده نشده اند به جز یک نمونه شیردال از آشور. در هنر میان رودان نیز ایمدوگود یا انزو، پرنده شیر سر در هنر سومر بیشتر به چشم می خورد. در هنر اکدی نیز شیر های انسان سر، موش هوشو، بر روی کودورو ها نام ببریم. در دوران بابل جدید از آجرهای لعابدار دروازه ایشتر که قابل مقایسه با آجر های لعابدار شوش در دوره هخامنشی است، موش هوشو شاخص است که حیوان مقدس مردوک خدای خدایان بابل بوده است. در هنر آشور نیز موجودات

◆ فهرست منابع

- ۱- بلک، جریمی. آنتونی، گرین. فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان. ترجمه: پیمان متین. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- ۲- پوپ، آرتوراپهام. شاهکارهای هنر ایران. اقتباس و نگارش: دکتر پیرویز نائل خانلری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۳- پرادا، ایدت. هنر ایران باستان. ترجمه یوسف مجیدزاده. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- حاتم، غلامعلی. تمدن‌های باستانی حوزه فرهنگی بین‌النهرین. تهران: انتشارات دانشگاه فارابی، ۱۳۵۸.
- ۵- رضی، هاشم. حکمت خسروانی. تهران: نشر بهجت، ۱۳۸۴.
- ۶- ریاضی، محمدرضا. طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی. تهران: انتشارات گنجینه هنر، ۱۳۸۴.
- ۷- فریه، ر. دبلیو. هنرهای ایران. تهران: انتشارات پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۴.
- ۸- گریگوریوویچ، ولادیمیر. تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت الله رضا. چاپ سوم. انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۹- گذار، آندره. هنر ایران. ترجمه دکتر بهروز حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۴۵.
- ۱۰- مورتگات، آنتوان. هنر بین‌النهرین باستان هنر کلاسیک خاور نزدیک. مترجمان: زهرا باستی، محمد رحیم صراف. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، سمت، ۱۳۷۷.
- ۱۱- ملکزاده بیانی. تاریخ مهر در ایران. تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۳.
- ۱۲- مجیدزاده، یوسف. جیرفت کهن ترین تمدن شرق. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۱۳- مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن عیلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

قدرت‌های مافوق طبیعی می باشد. هنگامی که انسان چنین مهر‌هایی را به همراه داشته است، احساس آرامش و امنیت بیشتری داشته است. بدین ترتیب با مهرها و طلسم‌هایی روبرو می شویم که تجسم خدایان و یا مظاهر آنها هستند و به صورت خدایان و یا موجودات تلفیقی انسان حیوان و یا حیوان حیوان نمایان می‌شوند. از اواسط هزاره سوم ق. م است که خدایان از تجسم حیوانی به صورت نیم انسان نیم حیوان در می‌آیند. مانند خدای مار با بالاتنه انسان و پایین تنه مار. این موجود در عیلام بسیار مورد توجه بوده است. در هنر لرستان نیز اغلب موجودات تلفیقی دارای بال هستند. مانند گاو مرد بالدار، انسان بز کوهی، میش کوهی بالدار، گوزن بالدار، که موارد اخیر فقط در لرستان دیده شده‌اند. شکل بال‌ها در هنر لرستان اغلب رو به بالاست و زیر بال به صورت نیم دایره طراحی شده است. در هنر جیرفت نیز موجودات تلفیقی بسیاری دیده شده‌اند و شاخص تر از همه کژدم انسان است که به شکل های گوناگون نمایش داده شده است. در هنر مارلیک دیو بالدار دوسری بر روی ظرفی نقش شده است که شباهت زیادی به نمونه آشوری دارد. بر سینه‌بند زبویه نیز موجودات تلفیقی را در انواع مختلف می بینیم. از قبیل گاو مرد، که گاو مرد آن قابل مقایسه با گاو مرد از هنر آشور جدید است. مضامین این سینه بند ریشه در هنر آشوری و اورارتویی دارند. علت وجودی این سینه بند ها با این نقوش در زبویه، دفع شر و چشم زخم بوده است. گاو بالدار با سر انسان نیز به عنوان پیکره محافظ در دروازه ملل تخت جمشید به کار رفته است که قابل مقایسه با نمونه های آشوری است که آنها هم در دروازه کاخ ها به کار رفته اند و خاصیت دفع شر داشته اند. شکل بالها در دوره هخامنشی نیز مانند هنر لرستان و هنر ماد، رو به بالا و با انحنايي در زیر آن است. در هنر ساسانی نیز گذشته از موجودات تلفیقی دیگر، سیمرغ موجودی شاخص و خاص این دوره است و یک نمونه تجسم آن به شکل نقش برجسته بر لباس خسرو پرویز در طاق بستان است. در هنر ایران می توان گفت که شیر دال و سیمرغ موجودات تلفیقی ایرانی بوده اند که در میان رودان مشاهده نشده اند به جز یک نمونه شیردال از آشور. در هنر میان رودان نیز ایمدوگود یا انزو، پرنده شیر سر در هنر سومر بیشتر به چشم می خورد. در هنر اکدی نیز شیر های انسان سر، موش هوشو، بر روی کودورو ها نام ببریم. در دوران بابل جدید از آجرهای لعابدار دروازه ایشتر که قابل مقایسه با آجر های لعابدار شوش در دوره هخامنشی است، موش هوشو شاخص است که حیوان مقدس مردوک خدای خدایان بابل بوده است. در هنر آشور نیز موجودات

◆ فهرست منابع لاتین

- 1- O'Neill, John. p.2004. **master pieces of the metropolitan museum of art**. metropolitan museum of art publishers. new York
 - 2- Schneider, Adams. 1997. **history of western art**. mc graw-hill companies. new York
 - 3- Stokstad, Marilyn. 1995. **art history**. Harry N. Abrams, Inc. publishers. new York
- ۱۴- مرادی غیاث آبادی. رضا. **اوستای کهن**. شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۲.
- ۱۵- نگهبان، عزت‌الله. **حفاری‌های مارلیک**. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- ۱۶- هینتس، والتر. **دنیای گمشده عیلام**. ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران. نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.



Comparative consideration of synthetic creatures in the art of Iran and Mesopotamia

Elaheh Khosravi

M. a. in research in art, School of art and architecture, Islamic Azad University, Central branch

Synthetic creatures on the seals and reliefs that have been formed in sculpture and various form, are combination of different animals that are unique in the real world. The creation of these creatures in the ancient civilizations' art is rooted in the myths. In this research, synthetic creatures of the art of Iran and Mesopotamia civilizations will be surveyed in the aspect of the forms and origin of the creations, in order to find their creations' reasons and observe the artists' imagination of these two adjacent territories in executing of the new monuments.

Some synthetic creatures of these civilizations are confined only to that art and civilization, like, Roc in the art of Iran and Ugulla in the Mesopotamia's art. Some of them are common between them. This second group is divided in two categories. First, synthetic creatures that are the same in title but differ in their forms, like, Scorpion human that have been depicted differently in each civilization. Second, synthetic creatures are similar in title, utilization and form. As an instance, winged bull sculptures (lamaso) both in Iran (Achaemenians period) and Mesopotamia (new Assur) are placed in the gates of the palaces as a guardian and repulsive of the evil.

Keywords: Giriffon ,Roc , Bull man, Mushhussu, Ugallug

Analyzing the Sasani's Seals of Azarbayjan of Tabriz museum

Mehran Houshyar

Candidate of Ph.D research in art, Shahed University

Moulood Eslami

B.A. in handicrafts, Soureh University

Seals, are one of the most important hand made works, they are left from our ancestors and some of them have hinted and amazing stories. Seals and relief are reliable documents of past, and as the valuable images they can show us many secret of our ancestors' lives. At the ages before Islam, Sasani's seals were so important because of their varied patterns. And also they were expressing the creativity of artist and seal-making craftsmen, and it shows the importance of this art for the people of those ages. This paper analyses the patterns and applications of Sasani's seals, and because of that I chose the Sasani's seals of Azarbayjan of Tabriz museum as the examples, for their varied patterns; and they are brought in to the tables separately by their symbol and the religious and cultural meanings.

Keywords: Sasani's art, Seal, Azarbayjan of Tabriz museum